روزشمار تظاهرات دانشجویی

شنبه ۱۸ آبان ۱۳۸۱

حدود صد نفر دانشجو بعد از ساعت ۱۹ در اعتراض به کیفیت بد غذا به سمت خیابان امیرآباد شمالی به حرکت درآمدند. به تدریج بر جمعیت آنها افزوده شد و نهایتا به دو گروه تقسیم شدند. گروهی که اعتراضات صنفی داشت در دانشگاه باقی ماند اما گروه بزرگتر همچنان در خیابان ماند، شعارهایی سر دادند. جمعیت حدود ۵۰۰ نفر بود و در خیابان آتش روشن کرده بودند. طبق گفته عی‌اصغر خداباری معاون دانشجویی دانشگاه تهران حدود ساعت ۲۰ نیروهای انتظامی در محل حاضر شده خیابان را بستند و دانشجویان را تحریک نکردند و جلوی موتوروسواران و لباس شخصی‌هایی را که قصد تحریک داشتند را گرفتند تا ماجرا به کوی دانشگاه دیگری تبدیل نشود.

شعارهای دانشجویان:

«خامنی خائنی استعفا»، «اعدام اندیشه‌ها اعدام آزادگی»، «۱۸ آبان ۱۸ تیر ماه»، «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد»، «هاشمی پینوشه ایران شیلی نمی‌شه»، «این است شعار مردم رفراندوم رفراندوم»، «فلسطین بر رها کن نکری به حال ما کن»، «هاشم آغاجری آزاد باید گردد»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد».

به‌گزارش رویتر حداقل یک گلوله گاز اشک‌آور شلیک شده و نیروهای انتظامی سعی در حفظ فاصله صد یاردی خود با دانشجویان داشتند.

یکشنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۱:

دو نماینده همدان حسین لقمانیان و محمدرضا علی‌حسینی در اعتراض به حکم اعدام آغاجری استعفا دادند ولی پس از چند ساعت به صلاحدید کروبی استعفای خود را پس گرفتند.

دوشنبه ۲۰ آبان ۱۳۸۱:

علی خامنه‌ای در دیدار با سران ۳ قوه و مقامات از هر دو جناح گفت «روزی که قوای ۳ گانه نتوانند و یا نخواهند مشکلات بزرگ را حل کنند آن وقت اگر رهبری احساس نیاز کند نیروی مردم را برای مواجهه وارد میدان می‌کند» و به قوه قضائیه توصیه کرد که مراقب رفتار عمومی قوه در بخشهای مختلف از جمله اجرای احکام و آثار، صحیح محاکم قضایی باشد.

سه شنبه ۲۱ آبان:

شعارهای روز: «هاشم آغاجری آزاد باید گردد»، «فلسطین را رها کن نکری به حال ما کن»، «ایران شده فلسطین مردم چرا نشستید»، «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد»، «دانشجو می‌میرد سازش نمی‌پذیرد»، «هاشمی این آخرین پیام است جنبش دانشجویی آماده، تیمم است»، «ای ملت بیا غیرت حمایت حمایت»، «ای ملت آزاد، حمایت حمایت»، «ای ملت با غیرت سکوت ننگ توست»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مرگ بر استبداد»، «استقلال آزادی جمهوری مردمی».

چهارشنبه ۲۲ آبان ۱۳۸۱:

ادامه اعتراضات در دانشگاه تهران و برقراری تریبون آزاد در دانشکده، اقتصاد تظاهرات و تعطیلی کامل کلاسها در دانشگاه‌های علم و صنعت و امیرکبیر نوشته‌های روی پلاکاردها: «جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد»، «من آواز بنشینم تو اگر بنشینی چه کسی بر خیزد»، «چه کابل چه تهران مرگ بر سر طالبان». حذف قوانین مجازات اسلامی و جایگزینی حقوق بشر یکی دیگر از مطالبات دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بود.

در دانشگاه شهید بهشتی با وجود مخالفت انجمن اسلامی جلسه‌ای برگزار شد. سخنرانان از حکم اعدام آغاجری فراتر رفته و یکی از سخنرانان بر علیه حکومت دینی سخن گفت که مورد تشویق حاضران قرار گرفت ولی با درگیری فیزیکی به سخنرانی خود خاتمه داد.

یکی از دانشجویان این دانشگاه در مصاحبه با رادیو آزادی در مورد وجه تمایز این تظاهرات با ۱۸ تیر گفت که این اعتراضات نسبت به کل نظام است و نه به یک جناح خاص و دیگر اینکه نیروهای انتظامی از درگیری انصار حزب‌الله با دانشجویان جلوگیری می‌کنند.

در گردهمایی و تظاهرات دانشکده علوم پزشکی دانشگاه شیراز دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بنا بر خبر انجمن اسلامی این دانشگاه، حمله‌کنندگان چند تن از دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این تظاهرات را ربوده‌اند.

مجید ارشاد لنگرودی رئیس دانشگاه شیراز حکم صادر به خاطر یک سخنرانی را تکاندهنده توصیف کرد و گفت وقتی که یکی از اساتید به خاطر حمایت از آغاجری به یک سال زندان محکوم می‌شود طبیعتا احساس امنیت از جامعه علمی رخت بر می‌بندد، کشور پیشرفت نخواهد کرد.

محسن مهر علیزاده، معاون ریاست جمهوری ضمن ابراز نارضایتی از حکم اعدام و همچنین وضعیت ایجادشده، به لحاظ به خطر افتادن امنیت ملی خواهان رفع مشکل شد و از قوه قضائیه خواست که در مسایل تجدید نظر کند.

یکشنبه ۲۶ آبان:

در دانشگاه شهید چمران اهواز تمام کلاسهای درس تعطیل شده، و حدود ۲۰۰۰ نفر دانشجو در سالن شهدای دانشگاه حاضر شدند. بدنبال ترافت بیانیه و قطعنامه گرد، فشار با شکستن میز و صندلی و شیشه‌ها به دانشجویان حمله کردند. بنا بر گفته مهران احمدی نماینده انجمن اسلامی این دانشگاه، علی‌رغم هماهنگی‌های قبلی با مراجع ذیصلاح از سوی آنها تلاشی برای آرام‌کردن جو صورت نگرفت و عده‌ای از دانشجویان مجروح شدند.

پس از این حمله دانشجویان با رادیوپیامی و شعاردادن بر علیه قوه قضائیه به سمت دانشگاه به راه افتادند. جمعیت در این حال به ۵۰۰۰ نفر رسید. این بار مهاجمان با سنگ و آجر و چاقو به جمعیت حمله کرده و عده زیادی از دانشجویان زن و مرد راهی بیمارستانها شدند. به نشانه اعتراض جهت حرکت به سمت درب اصلی دانشگاه، تغییر کرد. پلیس ضد شورش در این مرحله وارد عمل شده و مانع از خروج دانشجویان و پیوستن به مردمی که در بیرون بودند شد.

ساعتی پس از پرواز آقای عطری به سمت سیستان، نماینده اهواز آقای کیانوش راد در فرودگاه مورد حمله قرار گرفت و شیشه‌های ماشینش خرد شد.

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر علیرغم اعلام اجبار بودن حضور در کلاسهای درس، همچون هفته گذشته در سر کلاسها حاضر نشدند.

در دانشگاه شهید بهشتی بدعوت انجمن اسلامی تجمع بزرگی صورت گرفت. در این تجمع به نقض حقوق بشر، تفتیش عقاید، سرکوب اندیشه و تضعیف روشنفکری دینی و بلاررفتن هزینه فعالیت سیاسی اعتراض شد. در این تجمع برادر آغاجری نیز سخنرانی کرد.

در دانشگاه صنعتی اصفهان نیز تظاهراتی با حضور ۲۰۰۰ نفر صورت گرفت. شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «ای رهبر پیوشه ایران شیلی نمی‌شه»، «خطیب ورشکسته برگرد به باغ بسته»، «رفراندوم رفراندوم راه نجات مردم»، «چه کابل چه تهران مرگ بر طالبان»، داده شدند. در پایان همایش و پس از راهپیمایی دانشجویان خواهان تعطیلی دانشگاه، شدند. تظاهرات در این دانشگاه ۳ روز ادامه داشت.

وزارت کشور به دفتر تحکیم وحدت برای راهپیمایی در خیابان مجوز نداد و این دفتر همایش خود را فردا در دانشگاه صنعتی شریف برگزار می‌کند.

قاضی مرتضوی، آقای ابوالفضل فاتح مدیر خوزگزاری دانشجویان را احضار کرد.

دوشنبه ۲۷ آبان:

علاوه بر دانشگاه صنعتی شریف در دانشگاه‌های علم و صنعت و الزهرا، تربیت مدرس و امیرکبیر و علامه طباطبایی بیشتر کلاسهای درس تعطیل بود.

در دانشگاه تبریز صدها تن در اعتراض به حکم اعدام آغاجری اعتراض کردند.

در شیراز حدود ۳ هزار نفر در تجمع اعتراضی شرکت کردند.

در تجمع دانشگاه شهید بهشتی دکتر اردشیر امیرارجمندی به این مطلب اشاره کرد که ۵ در صد به تمام مردم صحبت می‌کنند.

در دانشگاه سیستان و بلوچستان هم بخشی از دانشجویان از رفتن بر سر کلاسهای درس خودداری کرده، راهپیمایی کردند. اکبر عطری در همایش این دانشگاه، گفت که یک اقلیت سیاسی در ایران برای پوشاندن عیبهای خود به مسائل دینی متوسل می‌شود.

در سالن پسکتبال دانشگاه صنعتی شریف طناب داری به نشانه اعتراض به حکم اعدام آویزان بود و مراسم با حضور بیش از ۷۰۰۰ دانشجو برگزار شد. پس از پایان مراسم درهای خروجی سالن بسته می‌شود و دانشجویان گرفتار شده مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. حدود ۲۰ نفر از آنها به شدت مجروح می‌شوند و تعدادی هم پس از خروج از دانشگاه بازداشت می‌شوند.

علیرغم اینکه روز گذشته علی خامنه‌ای دستور تجدیدنظر در حکم آغاجری را داده بود ولی اعتراضات همچنان ادامه پیدا کرد. اکبر عطری در این رابطه چنین گفت: «اعتراضات اصلی به رفتار خشونت‌آمیز و ضد دمکراتیک بخشی از حاکمیت است. خواسته‌های دانشجویان اساسی‌تر است. در جامعه می‌بایست رعایت حقوق بشر محور قرار گیرد». او در ادامه به پرونده کوی دانشگاه و دانشجویانی که هنوز زندانی هستند، به پرونده قتلهای زنجیره‌ای و زندانی بودن وکیل مربوط به این پرونده و به حضور نیروهایی در دانشگاه، شهید چمران اشاره می‌کند که به جای نشان‌دادن کارت شناسایی کلت کمر خود را نشان می‌دادند. «بیانیه اعتراض به نقض حقوق بشر و سرکوب اندیشه و آزادی بیان است که قطعا محدود به مورد خاصی نیست. چون عمق فاجعه بیشتر بوده، باعث شده، دانشجویان متحد در کنار هم قرار بگیرند و با همراهی اساتید محترم هم مواجهه بشوند و احیانا گروههای دیگر. امدوارم درس عبرتی باشد برای جریان اقتدارگرا که با توسل به ابزار خشونت سعی می‌کند در مقابل خواسته‌های مردم مقاومت کند. اعتراضات پایان نخواهد یافت، ولو اینکه در یک برهه شاهد آرامش باشیم. حاکمیت چند راه پیش رو دارد یا باید به مردم تن دهند و از جاهلیتکه مردم به آنها نه گفته‌اند کنار بروند و یا اینکه در مقابل مردم بایستند. آنگاه مطالعه تاریخ و اطلاع از سرنوشت کسانی که در مقابل ملت خود ایستاده‌اند نکته می‌کنم درس عبرت‌آموزی برای آنها باشد».

۳ شنبه ۲۸ آبان:

قرار بود تجمعی در دانشگاه تربیت مدرس صورت بگیرد. ولی نیروهای انتظامی مانع ورود دانشجویان به دانشگاه می‌شوند. بنابر این گردهمائی به دانشکده مدیریت دانشگاه تهران منتقل می‌شود. دانشجویان در بسین راه شعار می‌دادند: «یک روزی هم طالبان بیرون میره از ایران»، «فلسطین را رها کن نکری به حال ما کن»، «رفراندوم رفراندوم این است شعار مردم»، «ای مردم با غیرت حمایت حمایت»، «دانشجو به پا خیز مذهب شده دستاویز»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «آزادی اندیشه همیشه همیشه»، «استقلال آزادی حکومت مردمی».

۴ شنبه ۲۹ آبان:

۱۶۰ نماینده مجلس طی بیانیه‌ای ضمن قدردانی از دانشجویان به خاطر اعتراض به حکم اعدام آغاجری، از آنها خواستندکه اعتراض خود را در ضمن پایبندی کامل به مقررات ادامه دهند و از هرگونه شعار و اقدامی که می‌تواند باعث اعمال فشار شود بپرهیزند.

غلامرضا طریفیان معاون دانشجویی وزارت علوم اعلام می‌کند که هیچ تجمع دانشجویی با عنوان اعتراض به حکم اعدام هاشم آغاجری برگزار نخواهد شد. دانشگاه خانه ماست و ما هیچگاه به تعطیلی آن تن‌خواهیم پرداخت.

در حدود ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر حدود ۵۰ نفر دختر و پسر نوجوان و زنان میانسال با سر دادن شعار از تقاطع ۱۶ آذر به سمت میدان انقلاب حرکت کرده و وارد کارگر شمالی شده و تا نزدیکی بلوار کشاورز به راهپیمایی خود ادامه دادند. این افراد سرانجام با مداخله نیروی انتظامی متفرق شدند. آنها شعار می‌دادند: «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «رفراندوم رفراندوم این است شعار مردم»، «دانشجو حمایت می‌کنیم»، «مردم‌به ما ملحق شوید».

زارع‌زاده در مصاحبه با رادیو فرانسه «اکثریت دانشجویان از کلیت حاکمیت دارند فاصله می‌گیرند. اگر یک زمانی امیدواری می‌دیدند در شعارهای اصلاح‌طلبان، امروز این اعتقاد را از دست داده‌اند». در مورد درگیری و رویارویی دانشجویان مذهبی و دانشجویانی که خواسته‌های صنفی خود را دنبال می‌کنند گفت: «من فکر نمی‌کنم چنین اتفاقی بیفتد، و همه جریانها سعی می‌کنند از روشها و قالبهای مسالمت‌آمیز خواسته‌هایشان را پیگیری کنند و همه این جریانها واقف هستند که اگر چنانچه بخواهند از روشهای خشن استفاده کنند این به نفع جریان سوم تمام خواهد شد».

جمعه اول آذر:

پس از برگزاری چهارمین سالگرد به قتل رسیدن پروانه و داریوش فروهر یک گروه ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفره با دادن شعار در حمایت از دانشجویان به راهپیمایی پرداختند.

در پراپر جنبش اعتراضی مردم، ولی نقیه خود را مجبور به تجدید نظر در حکم اعدام دکتر هاشم آغاجری دید. چه پیم آن دارد که با آغاز و کیفیت جدید جنبش اعتراضی در نهادهای فرهنگی و آموزش عالی و گسترش کیفی آن به سراسر جامعه توازن قوای موجود به سود نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب تغییرکرد، و نیروهای نظامی نیز توان و خواست رویارویی با گسترش این موج آزادیخواهی را نداشته باشند. اقتدارگرایان بنیادگرا می‌دانندکه در ایران دیگر نمی‌توان آزادیخواهان را بدون عواقب غیر قابل پیش‌بینی و هزینه‌های غیرقابل پرداخت برای کلیه نظام و رهبرانش، در خانه‌هایشان کشت و یا در زندانها اعدام‌کرد.

امروز دیگر فریاد آزادیخواهی ملت ما را مردم و نیروهای آزادیخواه جهان می‌شنوند. مبارزات پیگیر و مسالمت‌آمیز دانشگاهیان، دانشوران، فرهنگیان و جوانان ما مورد احترام، تحسین و پشتیبانی مردم آزادیخواه، جهان، به ویژه نهادهای بین‌المللی، احزاب و نمایندگان آزادیخواه، پارلمانهای سراسر دنیا بوده، و از حمایت بی‌دریغ ایرانیان مقیم خارج از کشور برخوردار است.

اقدام آیت‌اله خامنه‌ای و دستور تجدید نظر در رای خودخواسته او جانب او اذعان به بی‌قانونی و فرمانفرمایی بودن نظام ولایی است. در عین حال این اقدام نقطه عطفی است در شکل‌گیری بحرانی عمیق و اجتناب‌ناپذیر برای پستاقدگرایان و اقتدارپرستان در نظام سیاسی حاکم بر جامعه ما. نظامی که رای و خواست ۱۶۰ نماینده مجلس را به هیچ می‌انگارد تا زیر فشار جنبش اعتراضی جوانان، دانشگاهیان و فرهنگیان و نهادهای بین‌المللی و مدافعان حقوق بشر عقب‌نشینی کند و یک حکم بی‌دلیل برای یک روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه را به تجدید نظر خود دل بگذارد.

از نشانه‌های ریزش در ارکان نظامهای استبدادی زوال روزافزون قدرت دولت در حکومت است. از آغاز ریاست جمهوری آقای خاتمی تاکنون قدرتمداران فرادست نظام بدون عرضه بدیل کارآمد دیگری با اقدامات سیاسی خود تنها در جهت تضعیف دولت و نهادهای مربوطه گام برداشته‌اند و بر این روال به دست خود موجبات بحران مشروعیت درونی و بیرونی دولت برآمده، از قانون اساسی موجود و کل نظام حکومتی را فراهم آورده‌اند.

معهودی از این اقدامات در سطوح ملی و بین‌المللی انعکاس گسترده یافته‌اند: محاکمه و دستگیری شرکت‌کنندگان اصلاح‌طلب در کنفرانس برلین، تعطیل فله‌ای روزنامه‌های گرایشمند به اصلاحات، دستگیری و زندانی‌کردن روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و نویسندگان اصلاح‌طلب، دستگیری آزاد و به بندکشیدن مسلمانانی که با خردگرایی خواستار جدایی دین و قدرت حکومتی شدند. دستگیری، آزار روحی و روانی و حبس‌کردن نیروهای موصوف به ملی – مذهبی، پیگرد و تضیقات غیرقابل تحمل در مورد وکلای قربانیان قتلهای زنجیره‌ای، تعطیل موسسات نظرسنجی و بازداشت و مسئولان و همکاران آنها در زندانهای غیرقانونی، پنهانی و نظامی، و بالاخره صدور حکم اعدام برای هاشم آغاجری، کسی که در بطن تکامل فکری نسل جوان انقلابی و اسلامی طی طریق کرد و سه سال پیش گفت دین اگر به ابزار قدرت تبدیل شود نه تنها افیون ملتهاکه افیون دولتها هم هست، و به راستی که سردمداران بنیادگرای حاکمیت ولایتی اگر اسیر افیون قدرت نبودند از آنچه که در سالهای گذشته بر ایران و بر همایگان ما گذشت در می‌یافتندکه شهروندان ایرانی و همسایگانشان دیگر تاب و توان تحمل استبداد دینی و ولایتی را ندارند و خواستار تحول جامعه به سوی دمکراسی و احقاق حقوق بشر و کرامت انسانی خوانند. باز می‌دانستند که فریاد آزادیخواهی و حق‌طلبی مردم را نمی‌توان باکشتار جمعی زندانیان، تعطیل جمعی نشریات دگراندیش، کتمان نتایج نظرسنجی‌ها و به بندکشیدن کارشناسان و دانشگاهیان و خاموش‌کردن چراغ زندگی خردگرایان مذهبی و غیر مذهبی برای همیشه خاموش کرد.

ما بپاخاستن شجاعانه توانندیشان دینی برای پرورش قدرت از بن‌بست کنونی جامعه را قدر می‌نهیم و خود را در مبارزه علیه استبداد با آنان همسو می‌دانیم. ما از تمامی نیروهای ملی و آزادیخواه، در داخل و خارج از ایران دعوت می‌کنیم که برای مقابله با قانون‌شکنی‌ها و تهاجم روزافزون بنیادگرایان و فرصت‌طلبان متحد شده و در جبهه مشترک آزادیخواهان با دفاع از جنبش اعتراضی جوانان و نهادهای سیاسی و اجتماعی در سراسر ایران به ویژه جنبش گسترده دانشجویان، دانشگاهیان و آموزندگان و آموزگاران موسسات آموزش عالی به مقابله سیاسی با اختناق و استبداد برخاسته و برای لغو بی‌قید و شرط حکم اعدام هاشم آغاجری، آزادی نوری‌ار و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی همکاری کنند. دوران اقتدار ولایت، شورای نگهبان و تشخیص مصلحت نظام به پایان رسیده و ملت ما ادامه وضع موجود را بر نمی‌تابد.

جمهوریخواهان ملی ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حزب دمکراتیک مردم ایران
سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا

بیانیه مشترک چهار حزب و سازمان سیاسی کشور

اندیشه را نمی‌توان به مرگ محکوم‌کرد

دستور تجدید نظر در حکم اعدام آغاجری بیانگر بحران نظام حکومتی است

آیا مجازات دشنام، اعدام است؟

ادامه از صفحه اول

میرا می‌دانند، و حاضر نیستند احکام ننگین مانند حکم اعدام آغاجری را به حساب او و نظامی که تاسیس کرد بگذارند، به مرگ محکوم شد. رئیس وقت بنیاد پانزده خرداد یعنی آقای یوسف صانعی، مرجع فعلی مورد قبول و استناد اصلاح‌طلبان، برای سر سلمان رشدی جایزه تعیین کرد. این حکم، به قتل یک مترجم کتاب رشدی نیز انجامید.

۴ - در تابستان ۱۳۶۷ آقای موسوی اردبیلی رئیس وقت دیوان عالی کشور که او نیز مورد آقای خمینی پرسید آیا زندانیان محکوم شده نیز مشمول حکم قتل مرتدین و محاربین هستند یا نه. آقای خمینی پاسخ داد بله، و آقای موسوی اردبیلی به زندان رفتند و دستور داد در تهران و شهرستانها دستور را ابلاغ کرد. هزاران نفر در اجرای این دستور به زیر خاک رفتند.

کافی است پایاز نمونه‌های دیگری باید ذکر کرد تا ثابت شود حکم اعدام آغاجری چندان هم بی‌سابقه نیست؟ همه تاریخ جمهوری اسلامی، تاریخی از احکام مشابه است که اجرا هم شده‌اند.

اصرار اصلاح‌طلبان برای منزه جلوه‌دادن آقای خمینی و نظام از عارضه‌هایی مانند قتل‌های زنجیره‌ای و حکم اعدام برای سخن‌گفتن، دیگر آنقدر مضحک شده است که جدی تلقی‌شدن طرح‌کنندگان این ادعاها را در انظار مردم را به زیر سئوال می‌برد. کسی که می‌گوید صدور فرمان قتل علیه دگراندیشان، در جمهوری اسلامی سابقه ندارد، می‌خواهد چه کسی را فریب بدهد؟ خود را، مردم را یا محافظه‌کاران را؟ تا جایی که به دشمنان اصلاحات مربوط می‌شود، واکنش آنها در قبال این وارونه جلوه‌دادن حقایق، چیزی جز به استهزاگرفتن اصلاح‌طلبان نیست. چرا اصلاح‌طلبان به نامه روح‌الله حسینیان جواب نمی‌دهند و نمی‌گویند نظرشان در این باره چیست که آقای خمینی دستور داد در صورت ثبات تعمد برنامه‌سازی که در برنامه او در رادیو، خانمی فاطمه زهرا را به عنوان الگو رد کرد، اعدام شود؟

با شنیدن سخنانی از نوع سخنان آقای میردامادی، احساس تلخی در دل انسان می‌نشیند، احساسی که از قربانی‌شدن حقیقت خبر می‌دهد، احساسی از موج‌زدن فریب و خودفریبی در فضای سیاسی موجود. در چنین فضایی، سرخورده‌شدن شمار فزاینده‌ای از مردم و به ویژه جوانان از اصلاحات، تعجب‌آور نیست. مردم و بخصوص جوانان، شاخک‌هایی نیرومند برای تشخیص راست از ناراست دارند، و هیچ چیز مانند حق را ناحق جلوه‌دادن و ناحق را بنام حق جازدن، روح آنها را جریحه‌دار نمی‌کند. دمکراسی و مشارکت مردم در اداره امور را نمی‌توان بر فریب بنیان نهاد، چراکه قدرت دافعه فریب و ناراستی، تبیشه بر ریشه استقبال مردم از امر مشارکت می‌زند. رهبران جبهه‌ای که مشارکت، بخش اصلی نام آن است، باید این را بهتر از هر کس دریابند.

آیت‌الله مشکینی خطاب به دانشجویان:

پول دلار شما را مست کرده است

آیت‌الله مشکینی در خطبه‌های نماز جمعه قم با توجه به اعتراضات دانشجویان گفت: حادثه‌ای در همدان رخ داد و موضوع به محاکمه کشیده شد و در طی مراحل قانونی، قاضی حکمی صادر کرد. اوگفت: چه شد سر این حکم این همه جنجال می‌کنند و کار به دانشگاه کشیده شد و عده‌ای معدود، دانشجو یا سحابه دانشجو ضمن اعتراض به حکم به سران نظام اهانت می‌کنند؟ حکم قاضی چه ربط به دانشگاه دارد.

آیت‌الله مشکینی خطاب به دانشجویان گفت: همه می‌دانند شما به ساز آمریکا می‌رقصید. پول دلار شما را مست کرده است. دانشجویان حقیقی جواب شما را دادند و بهتر از این هم خواهند داد.